

اخراج نیروهای نخبه

«اعتماد» نقش جبهه پایداری در تصفیه اساتید دانشگاهی را بررسی می‌کند

محمدرضا عارف: این‌گونه برخوردها باعث ریزش نیروهای نخبه می‌شود

معصومه ابتکار: از دانشگاه‌ها انتقام نگیرید

آذری جهرمی: برای همه است یا فقط منتقدان؟

محمد فاضلی: ضرورت تغییر را درک کنید

علی شریفی زارچی: حقیقت را فدای سیاست می‌کنند

مهدی بیک اوغلی | «قطار خالص‌سازی‌ها به ایستگاه دانشگاه‌های کشور رسید.» 45 سال پس از اظهارنظر تاریخی شهید مرتضی مطهری در این خصوص که دانشگاه‌ها باید به محل تضارب آرا بدل شوند و حتی برای تدریس مارکسیست لازم است که یک استاد مارکسیست این درس را به دانشجویان آموزش دهد، اساتید منتقد کشور، امکان حضور در دانشگاه‌ها را یکی یکی از دست می‌دهند و جای خود را به اعضای جبهه پایداری و... می‌دهند. روندی که برخی تحلیلگران از آن ذیل عنوان انقلاب فرهنگی دوم یاد کردند و خواستار شفاف‌سازی درباره تبعات آن شدند. تصمیماتی که ریشه آن را باید در تصمیمات معاون سیاسی سابق وزارت کشور ردیابی کرد.

اما پس از آغاز پروسه خالص‌سازی در دولت، مجلس و نهادهای تصمیم‌ساز، مشخص شد که پشت پرده خالص‌سازی در دانشگاه‌ها هم تیم جبهه پایداری قرار دارد. به همین دلیل است که بلافاصله پس از اخراج اساتید برجسته دانشگاهی در شریف، اعضای جبهه پایداری یا برخی اساتید دانشگاه امام صادق جایگزین آنها شده‌اند. شریفی زارچی

درخصوص ردپای جبهه پایداری و گروه‌های سمپا این طیف در دولت در این تصمیم‌سازی‌ها مینویسد: «در گروه‌های دانشگاه سندی منتشر شد که نشان می‌دهد دولت ریسی مخفیانه فرآیند جذب ۱۵۰۰۰ عضو هیات علمی همسو را به صورت سهمیه‌ای، فوری و خارج از چارچوب علمی موجود دانشگاه‌ها آغاز کرده، این فاجعه یعنی مثلاً تزریق ۱۰۰ نفر به هر دانشگاه علوم پزشکی، سکوت جامعه علمی خیانت به ایران است.» در تکمیل این فرضیه، جواد آذری جهرمی هم مینویسد: «تحول در دولت سیزدهم با جدیت در جریان است! ظاهراً ... درباره «جذب هیات علمی دانشگاه‌ها» مصوبه داده است! آن‌هم چه مصوبه‌ای... رئیس‌جمهور محترم هم مصوبه را ارجاع داده‌اند...» در فاز بعدی قرار است روند تصفیه دانشجویان را دربر بگیرد. برای این منظور جبهه پایداری به دنبال آن است که سازمان سنجش را از ذیل وزارت علوم خارج ساخته و به عنوان زیرمجموعه شورای عالی انقلاب فرهنگی معرفی کند. در شورای عالی انقلاب فرهنگی هم تیمی قرار دارند که ریل‌گذاری‌های تقنینی را برای جایگزینی دانشجویان مستقل با گروه‌های سمپات پایداری و انقلابی را برنامه‌ریزی می‌کنند.

پایداری‌چی‌ها جایگزین نخبه‌ها میشوند

در این میان، روزی نیست که خبر اخراج و تعلیق اساتید برجسته دانشگاهی مانند تیری در قلب افکار عمومی ایرانیان فرو نرود و حسرتی نیافریند. اساتیدی که هر کدام از آنها ذیل سرمایه‌های نامشهود توسعه در ایران تعریف میشوند اما ناگهان دستی از غیب عرصه سیاسی بیرون آمده و دانشجویان تشنه آموختن را از کلاس‌های درس اساتید برجسته محروم می‌سازد. دیروز اما برخی تحلیلگران از نقش تیم جبهه پایداری در حذف و اخراج این اساتید خبر دادند. حیرتانگیز اینکه با خروج اساتید برجسته دانشگاهی افرادی جایگزین میشوند که از حداقل‌های لازم برای تدریس در بزرگ‌ترین دانشگاه‌های کشور برخوردار نیستند. اسامی امیرحسین ثابتی یا عباس موزون، مجریان صداوسیما برای تدریس در دانشگاه شریف، این پرسش را در افکار عمومی شکل داده که در دانشگاه‌های کشور چه می‌گذرد؟ ثابتی، عضو جبهه پایداری و از چهره‌های نزدیک به سعید جلیلی قرار است در دانشگاه شریف به دانشجویان درس «انقلاب اسلامی» بدهد! همزمان هم اعلام شده است عباس موزون، دیگر مجری صداوسیما نیز قرار است به دانشجویان دانشگاه شریف درس «آیین زندگی» بدهد! روندی که باعث شد کانون صنفی استادان دانشگاه از امنیتی کردن نهاد دانشگاه و استخدام افراد همسو با حکومت انتقاد کرده و اعلام کند، روند

برکناري اساتيد منتقد شتاب گرفته و بسياري از اين موج به عنوان انقلاب فرهنگي جديد نام مي‌برند.

انداختن توپ در زمين ديگران

پس از اخراج اساتيد دانشگاه شريف، جبهه پايداري به يك حربه نخ نما شده پناه برد و با انتشار برخي اسامي از جمله محمدرضا عارف، اعلام کرد، امضاي چنين اساتيد اصلاح‌طلبي هم پاي اين تصميم‌سازي‌هاي غيرمتعارف قرار دارد؛ محمدرضا عارف اما ضمن تکذيب اين ادعا بلافاصله نامه استعفائي خود را رسانه‌اي و اعلام کرد: «بارها از روند حاکم بر هيات‌هاي جذب در دانشگاه‌ها گلایه کرده‌ام. درخصوص تبعات عدم تمدید قرارداد اساتيد نخبه‌اي همچون شريفي زارچي هشدار دادم، با اين‌گونه برخوردها باعث ريزش نيروهاي نخبه ميشويم.» اين فعال سياسي با بيان اينکه روند حاکم بر هيات‌هاي جذب دانشگاه‌ها عملاً باعث خروج نخبگان از دانشگاه‌ها ميشود، افزود: «دخالت‌هاي مخرب نهادهائي که هيچ ربطي به مسائل درون دانشگاه ندارند در مباحث درون دانشگاه، استقلال دانشگاه را مورد هدف قرار داده است.» عارف ادامه داد: «وضعيت موجود در نهادهاي علمي کشور که به واسطه دخالت‌هاي مستمر نهادهاي بيرون از دانشگاه تبديل به يك اداره معمولي شده را به هيچ‌وجه زيبنده آموزش عالي کشور نميدانم، سال گذشته نيز در نامه‌اي به رئيس‌جمهور محترم نسبت به تبعات برخوردهاي امنيتي با اساتيد و دانشجويان هشدار داده بودم.»

اما زماني که جبهه پايداري، سنگرهاي کابينه را يکي‌يکي فتح مي‌کرد، بسياري تصور مي‌کردند، دامنه اثرگذاري‌هاي اين طيف تندرو قرار است، تنها وزارتخانه‌هاي سودآور حوزه‌هاي اقتصادي و فرهنگي را در بر بگيرد، اما در پايان عمر دو ساله دولت، مشخص شده که مهم‌ترين پروژه تعريف شده جبهه پايداري قرار است در دانشگاه‌ها عملياتي شود. ديروز برخي فعالان سياسي خبر دادند که اعضاي جبهه پايداري در حال وارد آوردن فشار هستند تا با آغاز مهر ماه دامنه وسيعي از اساتيد دانشگاه جديد سمپات پايداري در دانشگاه‌ها مستقر شده و جريان‌سازي کنند! پروژه‌اي که تنها به اخراج اساتيد ختم نميشود و فاز مهم ديگري هم دارد. در حال حاضر فاز نخست آن که تصفيه اساتيد است، در حال اجراست.

نوبت دانشجويان هم ميرسد

براساس اطلاعات دريافتي به «اعتماد»، روند خالص‌سازي‌ها قرار نيست

در همین نقطه متوقف شود و سایر حوزه‌ها را نیز در بر می‌گیرد. در فاز بعدی قرار است دامنه خالص‌سازی‌ها متوجه دانشجویان شود. مصطفی فقیهی فعال سیاسی و رسانه‌ای درباره این تصفیه بزرگ می‌نویسد: «جبهه پایداری» در صدد است، پس از «تصفیه بزرگ اساتید»، ورود دانشجویان به دانشگاه را هم، براساس صلاحیت‌های سیاسی- اعتقادی تغییر دهد. ابزار مهم این روند در سال جاری از طریق کمیته‌های انضباطی دانشگاه‌ها عملیاتی می‌شود تا سال‌های بعد که از طریق انتقال سازمان سنجش به زیر مجموعه شورای عالی انقلاب فرهنگی اساساً سهمیه‌های متفاوتی برای ورود دانشجویان اعمال شود. در حال حاضر در آزمون‌های دانشگاهی ایران سهمیه‌های مختلفی مانند سهمیه رزمندگان، سهمیه‌های مناطق، سهمیه ایثارگران، سهمیه 25 درصدی ایثارگران، سهمیه 5 درصدی ایثارگران، سهمیه فرزندان جانباز در کنکور و... وجود دارد. بخش قابل‌توجهی از ظرفیت‌های دانشگاه‌های کشور این روزها به همین سهمیه‌ها تعلق دارد، با افزایش این سهمیه‌ها عملاً، امکان رقابت در کنکور از میان رفته و تحصیل دانشگاهی در ایران روندی انتصابی پیدا می‌کند. برخی تحلیلگران معتقدند، انتقال سازمان سنجش به شورای عالی انقلاب فرهنگی در راستای چنین سیاست‌گذاری‌هایی عملیاتی خواهد شد.

به گزارش «اعتماد»، تنها در زمان دولت سیزدهم بیش از 65 استاد تراز اول دانشگاهی از محیط دانشگاهی اخراج شده‌اند. اساتیدی که هر کدام از آنها نام بلندی در عرصه دانشگاهی دارند اما از آنجا که حاضر نشده‌اند استقلال خود را صرف بازی‌های سیاسی و جناحی ساختار یکدست کنند، حکم اخراج آنها صادر شده است. باید دید پرده نهایی این رویارویی‌ها قرار است به کجا ختم شود؛ بسیاری از اساتید و تحلیلگران معتقدند ساختار یکدست طی 10 ماه گذشته و پس از فوت مهسا امینی در حال اتخاذ تصمیماتی است که به‌طور مستقیم زندگی اقشار متوسط را تحت‌الشعاع قرار داده است. ادامه این روند ممکن است دورنمایی نگران‌کننده را برای کشور در پی داشته باشد.

معصومه ابتکار: از دانشگاه‌ها انتقام نگیرید

پیش از اظهارنظر انتقادی محمدرضا عارف در خصوص اخراج اساتید، سایر چهره‌های سیاسی و اساتید کشور هم نسبت به این فقدان واکنش نشان دادند. معصومه ابتکار در واکنش به اخراج سریالی اساتید نوشت: «انتقام ناکارآمدی و عدم موفقیت خودتان را از دانشگاه نگیرید!» رییس اسبق سازمان حفاظت محیط‌زیست نوشت: لیستی از اسامی ۵۸ استاد دانشگاه منتشر شده که گفته می‌شود در دولت سیزدهم اخراج یا تعلیق

شده‌اند! شما را به خدا انتقام ناکارآمدی و عدم موفقیت خودتان را از دانشگاه نگیرید! برای رشد و اعتلای ایران به دانشگاه تراز جهانی نیازمندیم! این نحوه برخورد با دانشگاهیان در تاریخ بی‌سابقه است!

آذری‌جهرمی: برای همه است یا فقط منتقدان؟

آذری‌جهرمی وزیر سابق ارتباطات و فناوری اطلاعات در واکنش به اخراج برخی اساتید نوشت: این دلایل اداری ادعا شده، تنها برای قطع همکاری با اساتید منتقد دولت در دانشگاه‌ها کاربرد دارد یا برای همه اساتید فراگیر است؟ امید است که رئیس‌جمهور محترم در این قضایای اخیر مرتبط با اساتید دانشگاه‌ها شخصا ورود نمایند و از تحدید محتمل گفتمان انتقادی در دانشگاه‌ها که متوقف‌کننده رشد و پیشرفت کشور است، جلوگیری نمایند.

علی شریفی زارچی: حقیقت را فدای سیاست می‌کنند

علی شریفی زارچی، استاد دانشگاه شریف در توییتی درباره اخراج خود از دانشگاه نوشت: استناد مدیریت دانشگاه آن است که به‌رغم مکاتبه در خرداد و آذر ۱۴۰۰ و شهریور ۱۴۰۱، هیچ اقدامی برای تمدید قرارداد خود انجام نداده‌ام. تاریخ ثبت درخواست‌های ترفیع و تبدیل وضعیت را ببینید تا متوجه شوید چطور حقیقت فدای سیاست می‌شود. جزییات بیشتر را برای همکارانم در شریف خواهم نوشت.

محمد فاضلی: ضرورت تغییر را درک کنید

محمد فاضلی که در ماه‌های ابتدایی آغاز به کار دولت سیزدهم از تدریس در دانشگاه شهید بهشتی منع شده بود در حساب توییتری خود نوشت: «روندهای متعددی به سوی زوال دانشگاه بالاجه علوم انسانی و اجتماعی همگرا شده‌اند، از اخراج اساتید حتی اندکی منتقد و ناهمسو تا مهاجرت استعدادها و بحران جایگزینی استاد خوب، جامعه ایران آینده، صدای این دهل نوازی را خیلی دردناک خواهد شنید.» این جامعه‌شناس در یک پیام توییتری دیگر نوشت: «همان‌گونه که بعد از چند دهه تلاش برای گزینش معلمان همسو و سخت‌گیرانه برگزیدن معلمان، خروجی آموزش و پرورش (و ورودی دانشگاه) را مطلوب نمی‌دانید، گزینش استاد همسو، ساکت و محافظه‌کار هم انبوه دانشجوی مطلوب شما را تربیت نمی‌کند، ضرورت تغییر را درک کنید و منطق نهادها را دریا بید.»

محمدرضا عارف: استقلال دانشگاه‌ها خدشه‌دار شده است

استقلال دانشگاه‌ها یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که در روند رشد کشور باید به آن توجه شود. در حال حاضر استقلال دانشگاه‌ها در کشورمان مورد خدشه قرار گرفته است. این خدشه بر استقلال دانشگاه‌ها هم از سوی نهادهای خارج از محیط دانشگاه وارد شده است. نهادهایی که هیچ شناختی از فضای دانشگاه ندارند استقلال دانشگاه‌ها را هدف قرار می‌دهند. مساله مهم بعدی در بحث دانشگاه، دانشجو و اساتید، جایگاه نخبگان و فرهیختگان در کشور است. طی سال‌های اخیر اما این جایگاه تحت‌الشعاع بی‌توجهی مسوولان نسبت به نخبگان قرار گرفته است. هیات‌های جذب در دانشگاه‌ها و روند بروکراتیکی که در این هیات‌ها جریان دارد باعث حذف نخبگان از ساحت دانشگاه‌ها شده است. بنابراین مهم‌ترین دغدغه من به عنوان فردی که با این اقشار حشر و نشر دارد، موضوع جایگاه نخبگان در کشور است که سال‌هاست درباره آن هشدار می‌دهم. اساساً یکی از علل وضعیت فعلی کشور، حذف نخبگان از ساخت تصمیم‌گیری در کشور است. اگر نخبگان در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و... به جایگاه اصلی خود بازگردند و میدان‌داری کنند، بخش اعظمی از چالش‌های کشور با محوریت نخبگان حل و فصل می‌شود. اما در حال حاضر این ضرورت‌ها مورد توجه قرار نمی‌گیرند. بسیاری از نخبگان به دلیل برخوردهای سیاسی حاشیه‌نشین و بعضاً خانه‌نشین شده‌اند که این روند برای آینده ایران خسارت‌بار خواهد بود.

خالص‌سازی در دانشگاه‌ها نتیجه عکس می‌دهد

پیروز حناچی

اخراج اساتید دانشگاهی در روندی مستمر ادامه دارد، قشري که در همه جوامع به عنوان سرمایه‌های نامشهود توسعه از آنها نام برده می‌شود. اساتیدی که اسامی آنها در رسانه‌ها منتشر می‌شود، همگی در زمره دوستداران ایران و حتی برخی از آنها ذیل زحمتکشان نظام قرار دارند؛ اما حتی اگر فرض کنیم که برخی اساتید نظر مخالفی با قرائت رسمی هم داشته باشند، باید زمینه مناسب برای حضور و فعالیت آنها

فراهم شود، چراکه دانشگاه‌ها محل ضرب آرا و بحث و تبادل نظر است. اگر نظرات موافق و مخالف وجود نداشته باشد و همه اساتید و دانشجویان در يك جهت فعالیت کنند، اساساً رشد و پیشرفتي حاصل نمیشود. این روند به خصوص درباره علوم انسانی شامل ادبیات، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، حقوق، الهیات و... مهم و حیاتی است. یاد می‌کنم از مرحوم شهید مرتضی مطهری زمانی که کتاب علل گرایش به مادی‌گری را مینوشت مانند يك انسان کمونیست، دیالکتیک و اعتقادات الحادی را توضیح میداد و ابعاد گوناگون آن را تشریح و مانند انسانی محقق دلایل خود را در رد گزاره‌های مطرح‌شده بیان می‌کرد. اگر همه در دانشگاه‌ها يك نوع فکر کنند و يك نوع حرف بزنند دچار پژمردگی و مرگ میشوند. تحمل نظرات مختلف در دانشگاه‌ها نشان‌دهنده هوشمندی يك حاکمیت است. چهره‌هایی مانند آقای عارف هم درباره برخی روندها در دانشگاه‌های کشور موضوعاتی را بیان کرده و خواستار حفاظت از نخبگان شدند. روند يك دست‌سازي در دانشگاه‌ها نتیجه عکس خواهد داد و به هیچ عنوان منتج به نتیجه موردنظر برخی افراد و جریان‌ات سیاسی نمیشود. ضمن اینکه نتیجه مستقیم این نوع تصمیمات در تنزل کیفیت آموزش و پژوهش کشور موثر خواهد بود. نحله‌ها و تیپ‌های مختلف اساتید در رشته‌های مختلف اساساً باید با هم تفاوت داشته باشند. دقیقاً مانند حوزه‌های علمیه که افراد و آیات عظام با هم بحث طلبگی دارند و گاهی اوقات نظراتی کاملاً متفاوت و متضاد با هم دارند. این روندی پسندیده در محیط‌های علمی، حوزوی و دانشگاهی است و محروم کردن جامعه از آن در فضای توسعه کشور اثر نامناسب خواهد داشت.

منبع: روزنامه اعتماد 6 شهریور 1402 خورشیدی